

به اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، به نهادهای بین المللی دفاع از حقوق انسان!

موضوع: دستگیری
چند نفر از کارگران در

اول مه شهر سقز

به اطلاع میرسانم، کارگران در شهر
سقز از استان کردستان، هر ساله
متینگ و جشن روز جهانی کارگر
را برگزار میکنند. امسال هم به
روال گذشته، تشکل کارگران خباز
و بخشهای دیگر کارگران برپایی
مراسم روز کارگر را تدارک دیدند،
که از همان اوایل با کارشکنی های
متعدد مقامات دولت اسلامی در
شهر سقز روبرو شدند. دیروز در



رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

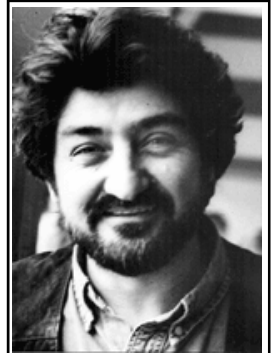
در صفحات دیگر این شماره

اطلاعیه و اخبار مربوط به مراسم
اول مه در شهرهای کردستان،
مبارزات معلمان و کمپین برای
آزادی دستگیرشدگان در مراسم
اول مه سقز

حضور رهبران کمونیست در
میان مردم، اهداف، نتایج
و کمبودها
مجید حسینی

صفحه ۳

مصاف کارگران و کودکان کار با جمهوری اسلامی در مراسم اول مه



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم جنبش
باز گرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه شماره ۴۱ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان

از هفته های قبل از فرارسیدن اول مه، رژیم اسلامی خود را برای جلوگیری از برگزاری مراسم اول مه در شهرهای کردستان آماده کرد. از وزارت کشور به استانداری کردستان و فرماندارها دستور داده شد که از دادن هر گونه مجوز قانونی به کارگران برای برپایی اول مه خودداری کنند. در نتیجه مراجعه کمیته های برگزارکننده کارگران برای مراسم اول مه با مخالفت استانداری و فرماندارها مواجه شد و آنان کارگران را تهدید کردند که با هر گونه اجتماعات و مراسم کارگری به شدت مقابله خواهند کرد. به این ترتیب فضای پلیسی و تهدید را حاکم نمودند. علیرغم اینها با ابتکارات گوناگون در شهرهای مختلف اول مه را گرامی داشتند.

سنندج:

مقامات رژیم از صدور مجوز قانونی برای برگزاری مراسم اول مه خودداری کردند. با این وجود در مکانهای مختلف شهر سنندج از جمله در پارکهای اطراف شهر اجتماعات گوناگونی از کارگران و خانواده هایشان تشکیل شد، در این اجتماعات قطعنامه سراسری کارگران پخش و خوانده شد. همچنین در بلندیهای آبدید نیز به این مناسبت آتش روشن شد. کارت تبریک حزب کمونیست کارگری به

مناسبت اول مه و پیامهای حمید تقوایی لیدر حزب و رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان به مناسبت ماه اول مه در محلات مختلف از جمله حاجی آباد، تازآباد، صفری، قطارچیان، کلکه جار، پخش شد. در میدان اقبال کارت تبریک حزب به مناسبت این روز در قطع بسیار بزرگ نصب شده بود.

سقز:

در شهر سقز از غروب روزهای پنجشنبه و جمعه به استقبال ماه مه رفتند. در محلات حاجی آباد، کمرندی، کشتارگاه، چم ولی خان، شهناز، میدان یادبود، شریف آباد، بهارستان، سیلو، کریم آباد، شهرک دانشگاه، کارت تبریک حزب به مناسبت اول مه و پیامهای حمید تقوایی و رحمان حسین زاده به مناسبت این روز پخش شد. همچنین شعارهای زنده باد اول مه، زنده باد کمونیسم کارگری، زنده باد منصور حکمت نوشته شده بود. علاوه بر اینها ده پلاکارد بزرگ که بر روی آنها نوشته شده بود، زنده باد اول ماه مه، زنده باد انقلاب کارگری، گرامی باد روز جهانی کارگر، در کمرندی، شهناز، میدان یاد بود، میدان معلم و نقاط دیگری نصب شد.

روز شنبه اول مه کارگران و مردم برای برگزاری مراسم بزرگ آماده بودند.

در اطلاعیه شماره ۳۹ گزارش این مراسم را به اطلاع رساندیم. مزدوران جمهوری اسلامی متینگ کارگران در پارک کودک شهر را تحمل نکردند و به آن حمله کردند. تعدادی از کارگران مبارز و شرکت کنندگان را دستگیر کردند. امروز تعدادی از دستگیر شدگان آزاد شدند. اما هنوز تعدادی از جمله محمود صالحی، برهان دیوانگرد، جلال حسینی، محسن حکیمی، محمد صالح حسینی، محمد عبیدی، اسماعیل خودکام، ابراهیم ادهمی در بازداشت بسر میبرند. فضای شهر سقز ملتهب است. نیروهای نظامی در سراسر شهر مستقرند. در گزارشات بعدی جوانب دیگر این رویداد را به اطلاع میرسانیم.

در شهرهای سردشت و کامیاران کارت تبریک حزب به مناسبت اول مه پخش شد و در بعضی مناطق شهر شعارنویسی شده است. در شهر مریوان بر دو بلندی اطراف شهر و در میدان اصلی دارسیران به این مناسبت آتش روشن شد. در چند جمع و گروه مراسم روز کارگر جشن گرفته شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۳
(دوم مه ۲۰۰۴)

خانواده هایشان نمیکند. باید طرح ارتقای شغلی شامل همه معلمان اعم از ابتدایی و شاغل و بازنشسته شود، باید حق مسکن معلمان داده شود، خانه های مسکونی مدرن و مناسب و به اندازه کافی و با قیمت ارزان برای معلمان ساخته شده و در اختیارشان قرار گیرد. باید به تفتیش عقاید در مدارس پایان داده شود. دستگاه جاسوسی حراست در مدارس برچیده شده و دروس مذهبی و مراسم مذهبی و شرعی از کتابهای درسی و مدارس حذف کردند. مذهب باید از آموزش و پرورش جدا گردد. آزادی بیان محترم شمرده شود و حق اعتصاب

میشود. اما از نظر معلمان همانطوریکه در شعارها و خواستهای دیروزشان مکرر تکرار شد و در قطعنامه پایانی اعتصاب هم تاکید شده، تداوم بدون وقفه مبارزه تا تحقق کامل خواستهاست. رژیم تاکنون در مقابل خواستهای معلمان به عقب نشینی هایی وادار شده است. اما این پاسخ ناچیزی به خواستهای معلمان است و قابل قبول نیست. طبق برآورد خود رژیم ۳۰۰ هزار تومان هم زیر خط فقر است. بنا براین اگر حقوق ماهانه معلمان به ۵ برابر هم افزایش یابد، هنوز رفاه نسبی را نصیب آنها و

اطلاعیه شماره ۴۲ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران اعتصاب سراسری و

تداوم مبارزه معلمان

دیروز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت اعتصاب سراسری معلمان انجام شد. در شهرهای کردستان در سنندج، سقز، مریوان، بوکان، پاره، کامیاران، مهاباد و غیره هزاران نفر از معلمان در ادارات آموزش و پرورش اجتماع کرده تا بار دیگر بر خواستهای فوریشان پافشاری کنند. از نظر رژیم این اعتصاب پایان یک دوره مبارزات معلمان است و تداوم آن موکول به مرداد ماه و بعد از آن

به اتحادیه ها و سازمانهای

کارگری، به نهادهای بین المللی دفاع از حقوق انسان!

دفاع از حقوق ابتدایی کارگران در زندان جمهوری اسلامی بسر برند و مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گیرند. لذا از اتحادیه ها و همه سازمانهای کارگری و همه نهادهای بین المللی دفاع از حقوق انسان می خواهیم، ضمن محکوم کردن این عمل جمهوری اسلامی، با ابتکار و اقدامات اعتراضی خود جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند، تا هرچه زودتر دستگیر شدگان اخیر شهر سقز آزاد شوند.

با احترام فراوان

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
دوم مه ۲۰۰۴

Tel: 0046 739 855 837
email:
r_hoseinzadeh@yahoo.com

میدان نیامده و هنوز آن سمپاتی وسیع اجتماعی پشت خواستهای عادلانه و انسانی معلمان بسیج نشده است. نیروی آکتیو در مبارزات کنونی، یکصدم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. این مشکل باید به شیوه های گوناگون و تلاشهای بیوقفه شما جبران شود. نباید به ستمگران و کسانی که میلیونها انسان را به مرگ تدریجی محکوم کرده اند، فرصت نفس تازه کردن داد. نباید به این جانباختگان و غاصبان نان و رفاه و زندگی معلمان فرصت زبان درازی و تهدید و تعقیب فعالین معلمان و نمایندگان تشکلهای معلمان را داد. محکوم کردن میلیونها انسان به زندگی فلاکتبار جرم و جنایت است. مجرمین باید تسلیم شوند و جواب بدهند، این کمترین توقع و فوری ترین خواست معلمان است.

زنده باد همبستگی مبارزاتی معلمان آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اردیبهشت ۸۳

هنگام شروع مراسم روز کارگر در یکی از پارکهای شهر، نیروهای نظامی رژیم اسلامی به متینگ کارگران تعرض کردند. با اعمال فشار و تهدید و کتک زدن و با دستگیری چند تن از فعالین کارگران، از برگزاری متینگ روز کارگر جلو گیری کردند. اسامی چند نفر از دستگیر شدگان عبارتند از: محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگرد، محسن حکیمی، فخرالدین واصلی، اسماعیل خودکام. به دنبال دستگیریها، سرکوبگران رژیم اسلامی به منزل شخصی محمود صالحی و برهان دیوانگرد حمله کرده اند. برگزاری متینگ و مراسم ماه مه جزو حقوق اولیه کارگران در سراسر جهان است. نباید گذاشت دستگیر شدگان اخیر به این دلیل و

و تشکل معلمان برسمیت شناخته شود. اینها حداقل خواستهایی است که باید فوراً برآورده شوند. نیروی کمی و کیفی معلمان و حمایت دانش آموزان و خانواده هایشان و سمپاتی وسیع اجتماعی به معلمان زحمتکش و شریف برای تحقق این خواستها کفایت میکند. باید این نیرو را به میدان آورد.

معلمان شریف و مبارز! شما از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارید. شما این قشر محبوب به هیچ کسی بدهکاری ندارید و صمیمانه و دلسوزانه نسلها را آموزش و پرورش میدهید.

میلیونها دانش آموز از متحدین شما معلمان هستند، شما از سمپاتی میلیونها انسان در میان خانواده دانش آموزان و کل جامعه برخوردارید. این توازن قوای اجتماعی را همه معلمان و بخصوص تشکلهای نمایندگان برسمیت بشناسید و این یک شرط اساسی در پیگیری قاطعانه خواستهای عادلانه و فوری معلمان است.

هنوز نیروی معلمان به تمامی به

حضور رهبران کمونیست در میان مردم، اهداف، نتایج و کمبودها



مجید حسینی

کار و فعالیت و توقف برنامه های ما در این منطقه نیستند، فقط در محدوده نحوه اجرا آنها و چگونگی شرایط کاری ما معنی پیدا خواهند کرد. طبیعی است که اجرای ماموریت های این پروژه با تمام دقتی که در برنامه ریزی آن می شود، خالی از خطر نیست. اما منطبق بودن این برنامه ها با شرایط سیاسی در ایران، با خواست و اراده مردم و همکاری بی دریغشان با ما، همراه با نفوذ توده ای حزب کمونیست کارگری ایران در کردستان، عواملی است که امنیت تا حد امکان رفقای دست اندر کار را تامین و موفقیت تائکونونی آنها تضمین کرده است. بعبارت دیگر چون این پروژه به نیازهای سیاسی مشخص و واقعی در جامعه و در میان مردم آزدیخواه جواب می دهد و خلالتی را پر میکند، موثرترین فاکتور امنیتی در انجام آن است. مردم مبلغ حضور ما در شهرها و عامل زنده نگهداشتن اثرات سیاسی آتند و حولش جنگ روانی علیه رژیم به راه انداخته اند، خود این پروسه بر رابطه بین حزب و مردم و تغییر تناسب قوا به نفع کمونیسم در ابعاد توده ای عمیقاً اثر میگذارد. طی چهار سال اخیر مجموعه اقداماتی در جهت راه اندازی و اجرای پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم در شهرهای سنندج و مریوان با موفقیت انجام گرفته است. اولین بار عبدالله دارابی به همراه واحد هایی از نیروی حزب در اطراف شهر مریوان حضور پیدا کرد و برای مردم سخنرانی نمود. بار دوم من (مجید حسینی) به مدت یکماه با واحدهایی از نیروی حزب در منطقه مریوان به جوله سیاسی پرداختم و با مردم گفتگو کردم و چند بار به سخنرانی پرداختم. سومین بار عبدالله دارابی وارد شهر مریوان شد و با استفاده از بلند گوی مسجد پیام حزب را به مردم رساند. حضور مظفر محمدی و همراهانش در میان مردم سنندج دامنه و بعد این کار را وسعت داد. با حضور مجدد ما، (مجید حسینی، عبدالله دارابی

ویدی کریمی) در اولین روز سال نو (۱۳۸۳) در مریوان و در دو محله و گفتگو و سخنرانی برای مردم، حزب ما دخالت قدرتمند و بزرگتری تری را از این طریق بر اوضاع سیاسی ایران کرد. می توان جایگاه و محصول سیاسی هر یک از این برنامه ها را بطور جداگانه دست نشان کرد و مورد بررسی قرار داد، کاری که میبایست می شد. در عین اینکه کل پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم، اهداف سیاسی خاص و واحدی را دنبال میکند. در این نوشته به این اهداف، جایگاه، نتایج، کمبودها، و راه موفقیت بیشتر آن میپردازم. اهداف عمومی این پروژه ها را در سه محور اصلی دسته بندی کرده ام. یکی؛ تحکیم رابطه حزب کمونیست کارگری ایران با مردم و توده ای تر کردن حزب است. اعضای کمیته مرکزی، دفترسیاسی و کادریهای بالای این حزب، در میان مردم شهرهای مریوان و سنندج که شهرهایی از ایرانند، حضور پیدا کرده اند. فکر نمی کنم احتیاجی به توضیح آن مکانیسمهای سیاسی و اقتصادی واحد و سراسری باشد که بر کل جامعه ایران و از جمله مریوان، سنندج و کردستان حاکم است، باشد. اوضاع این دو شهر و منطقه وضعیت سیاسی ایران را رقم نمی زند، این رابطه بر عکس است و مردم به تهران و تحولات در شهرهای بزرگ ایران چشم دوخته اند. اما همین واقعیت ساده از طرف جریانات ناسیونالیسم کرد و چپ سنتی ایران از دو جهت ظاهراً جداگانه که منجر به نتایج سیاسی کمابیش مشترکی میشوند، انکار می گردد. آن شرایط و قانونمندی که پژواک درهم شکستن انتخابات مجلس هفتم و پائین کشیدن مجسمه مهره رژیم در مریوان، ۸ مارس و فستیوال آدم برفی و دفاع از حقوق کودک در سنندج، اعتراضات دانشگاه ها و مردم در تهران و اصفهان و شیراز و کارگران پتروشیمی و معلمان را به سراسر جامعه فرستاد، در مورد پروژه حضور رهبران کمونیست بمثابه رویداد سیاسی که حزب مبتکر آن است، عمل میکند. این حضور وجهی از دخالتگری سیاسی و مستقیم حزب در اوضاع ایران است، انعکاسی نه شهری و منطقه ای، بلکه سراسری برای جلب توجه مردم به حزب دارد. انجام هر باره آن قابلیت و مصممی حزب در راه

کسب قدرت سیاسی در ایران و قاطعیت آن در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در جلو چشم مردم قرار می دهد. بر اعتماد مردم به حزب و امید به کمونیسم در ابعاد توده ای اثر میگذارد، در صف آرای طبقاتی در جامعه به نفع صف آزادیخواهی و قدرتمند تر شدن کمونیسم اجتماعی نیرو جابجا میکند. کنفرانس برلین و حضور رهبران کمونیست در میان مردم از یک جنس کارند، دامنه و عمق اثرات آن در جامعه محصولی ببار می آورد که فقط از این جنس کار بر می آید و قابل جایگزینی با هیچ عرصه دیگری نیستند. اینگونه کارهای بزرگ در پناه مقالات، رادیو و حتی تلویزیون با تمام اهمیتش، جایگاه بالایی را دارند و به دستگاه تبلیغی حزب، قدرت و برای بیشتری را می دهد. حکمت اینسکه با شروع این پروژه منصورحکمت در باره اهمیت آن نوشت، در جلسه کمیته مرکزی حزب از آن صحبت کرد و در سخنرانی کنگره سوم بدان اشاره نمود، در همین جا است. در ادامه لیبرهای حزب کورش مدرسی و حمید تقوایی به رفقای دست اندرکار آن پیام دادند و در مورد جایگاهش مطلب نوشتند. مردم از شهرهای مختلف بزرگ ایران با پیام و تلفن به ما و حزب تبریک گفتند و از آن روحیه گرفتند. نکته مهم این است که تکرار مکرر و موفقیت آمیز تاکنون این پروژ تا همین الان و از خیلی وقت پیش از این، درایت و توانایی موجود از حزب را نزد عامه مردم بالاتر برده است و این مسئله حزب را قادر ساخته است که با اتکا به نفوذ توده ای و قدرت تبلیغی خود تعرض به جریانات بورژوازی را تشدید کند و در راستای اهداف مورد نظر این پروژه در سطح سراسری و محلی بطور ادامه دار بهره برداری کند. نباید تبلیغ و استفاده سیاسی از این قبیل کارهای حزب، محدود به روزهای انجام آن گردد. این کاری است بزرگ و منحصر به حزب کمونیست کارگری، باید نتایج و واقعیتها سیاسی حول آنرا به مردم گفت و از این طریق توجه هر چه گسترده تر جامعه را متوجه حزب و برنامه اش کرد. کادریهای حزب با حضور در شهرها حاکمیت جمهوری اسلامی را نقض کرده و آلترناتیو کمونیسم کارگری را در جلو جامعه به نمایش میگذارند. این کاری است که در

شرایط امروز ایران که مردم دنبال انتخاب آلترناتیو هستند بر تناسب قوا به نفع حزب در رابطه با دیگر جریانات اثر خواهد داشت. مردمی که در دانشگاه ها و شهرهای دیگر ایران، شعار آزادی و برابری را بلند کرده اند و با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیرند، به حزبی که قدرت مقابله مستقیم و رودرروی با رژیم را در این شرایط دارد و مبتکر دخالت و ارتقا مبارزات مردم از این طریق است، امیدوارتر می گردند. دوم؛ وسعت و شدت گرفتن تقابل کمونیسم کارگری با ناسیونالیسم کرد در سطح جامعه کردستان از نتایج سیاسی دیگر این پروژه است. حضور ما در شهرها نه تنها حاکمیت جمهوری اسلامی را نقض می کند، به افکار و سنتهای جاری ناسیونالیسم کرد در جامعه ضربه جدی میزند. با ورود کادریهای حزب به هر شهری، خبر آن به سرعت در همه شهرهای کردستان پخش میشود، بحث حزب کمونیست کارگری، توانایی و قاطعیت آن در مقابله با جمهوری اسلامی، خبر اول و داغ منطقه و هر جمع و محفل و خانواده ای می گردد و به گوشه و زوایای جامعه، در میان کارگران و توده مردم زحمتکش نفوذ پیدا میکند. مردم کادریهای حزب را با نام می شناسند، از این اقدامات سیاسی امید و نیرو می گیرند و خاطره تقابلهای توده ای مردم در کردستان با نیروهای ناسیونالیست و نقش کمونیستها در آن برایشان زنده می گردد. دیدار رهبران حزب با مردم، یکی از شیوه های دخالت سیاسی حزب کمونیست کارگری در جامعه است که روحیه همبستگی و مبارزاتی مردم در مقابل جمهوری اسلامی را بالا می برد، تناسب قوا بین احزاب موجود در کردستان را به نفع حزب تغییر می دهد، فضای سیاسی شهرها را برای فعالان کمونیست و انسانهای آزادیخواه در معرض به خرافات ملی و قومی و مذهبی مساعد تر می کند. این پروژه کمونیسم کارگری است، الگوی نوینی از فعالیت علنی کمونیستها در رابطه با مردم و دخالت در اوضاع سیاسی برای سمت سودا دن به آن است. این شیوه فعالیت در چهار چوب تفکر احزاب سنتی این منطقه، حزب دمکرات کردستان ایران، کومه له و جریانی چون باند زحمتکشان عبدالله

پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم، برنامه ای است که به ابتکار منصور حکمت شروع و نامگذاری شد و طی چهار سال اخیر با درایت سیاسی از طرف رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در شهرهای مختلف کردستان انجام گرفته است. این برنامه ای است تعطیل نشدنی، ادامه دار و در هر دوره ای در اشکال و شیوه های متناسب با آندوره پی گرفته خواهد شد. شرایط سیاسی فعلی به اضافه تجارب این چند ساله فعالیت حزب در این عرصه، آن چنان آسادی و توانایی را در حزب ایجاد کرده است که گسترش و متنوع کردن انجام این پروژه را در شهرهای مختلف کردستان ضروری و ممکن کرده است. باید در اشکال و سطوح مختلف دیگری این عرصه از فعالیت را با تکیه بر پتانسیل موجود در حزب و توانایی طیف وسیعی از کادریها با تجربه و محبوب مردم، تکامل داد. تا کنون بخش بسیار کوچکی از نفوذ و توانایی بالقوه حزب و کادریهای آن در این عرصه بکار گرفته شده است. در صورتیکه شرایط سیاسی ایجاب کند، حزب توان پیشبرد برنامه های بزرگ تر و گسترده تری را در کردستان دارد. وجود جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن در کردستان، موانع و محدودیت هایی که جریانات ناسیونالیست کرد سعی میکنند در همدستی و خوش خدمتی به جمهوری اسلامی، بر سر راه فعالیت ما بوجود آورند، دقت ویژه ای را در برنامه ریزی و پیگیری این پروژه از ما طلب میکنند. هیچگاه این موانع قادر به تعطیلی

حضور رهبران کمونیست در میان مردم...

مهدتی، نمی گنجد و درکش نمی کنند. چرا؟ چون در روش و سنت این جریانان بجا آوردن دل دولتهای منطقه و دارودسته های عشایر جلال طالبانی و بارزانی در عراق، تعیین کننده سیاست و عملکرد آنهاست که بر آن اسم «دیپلماسی» نهاده اند. چپماست زدن جلو در دولتها، چشم به انتظار بودن، بخشی از هویتشان است و می خواهند همین سیاست را به مردم منتقل کنند. باید تاکید کنم که حساب سازمان زحمتکشان دارو دسته مهدتی-ایلخانی که توسط جلال طالبانی سرهم بندی شد، در امید به دو خرداد پا گرفت و اخیرا در سایت شان با معرفی کردن مردم در شهرها با بنام عضو حزب کمونیست کارگری و حمله به حضور ما در شهر میروان به کمک و همکاری غیر مستقیم و اما آشکار و علنی با جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات آن پرداخت، از کومه له و حزب دموکرات جدا است. اضافه بر اینها، جریانان ناسیونالیستی اعتقادی به نیرو و قدرت مردم آگاه ندارند. حزب دموکرات فقط وقتی به مردم مراجعه میکند که فشار انقلابی و رادیکالیسم مردم مجبورش کند و یا نیاز داشته باشد، این حزب بطور استراتژیک مشکلی با حکومت مرکزی ندارد و در این رابطه دارای سوابق مستند و غیر قابل انکار و حتی مورد افتخار خود آنهاست. در تمام موارد رابطه و ساخت و پاخت با رژیم، حزب دموکرات آنها نه تنها از مردم، از صفوف تشکیلات و حتی بخشی از رهبری خود مخفی کرده است. در مقابل رابطه ما با کارگران، زنان، جوانان و عامه مردم، بنیادی تر است. حزب کمونیست کارگری، حزب دخیل، سازمانگر، جوابگو به نیازهای انقلابی مردم در هر دوره ای است و این یکی از خصوصیات و نقاط قوت کمونیسم اجتماعی در کردستان و یکی از تفاوتهای حزب منصور حکمت با چپ سنتی و نصابیگر مردم است. کارنامه مزدوری ناسیونالیسم برای ترکیه، جمهوری اسلامی، برای دولت صدام و حالا برای حکومت فعلی عراق (شورای موقت حکومتی) و امید به آمریکا عیان است و احتیاجی به توضیح ندارد. احزاب ناسیونالیستی

اشغال شده و نزدیک به ۲۵ سال است که این رژیم با ما و مردم در حال جنگ است. راهی نیست و حضور رهبران حزب در میان مردم احتیاج به نیروی حفاظتی دارد و تأمین این نیرو بر ما تحمیل شده است. در نتیجه فراهم کردن درجه ای از نیروی حفاظتی و سازمان آن در ابتدا لازم شد، در ادامه تکامل می یابد و فراتر می رود و داوطلبین فعالیت در این نیرو و سازمان آن زیادتر میشود. با همه اینها وجود این نیرو و اجرای موفق حضور ما در میان مردم، تنها دلیل علاقه مندی فعالیت حزب نیست و هر چند بر تسریع شکل گیری آن و اعتماد به سیاست و توانایی حزب در این رابطه اثر خواهد داشت. مسئله این است که، لشکر کشیهای جمهوری اسلامی به کردستان و سنت پیشمرگانی احزاب ناسیونالیست کرد، فعالیت مسلحانه را بعنوان شکلی از ابزار وجود و فعالیت سیاسی بر مردم این منطقه تحمیل کرده است. هر جریان جدی در کردستان نمی تواند نسبت به این عرصه از فعالیت بی توجه باشد و حضور تا همین اندازه ما در شهرهای کردستان، درجه ای از وجود سازمان مسلح حزب و جواب عملی حزب به این ضرورت را به جامعه نشان داده است. این درجه از پتانسیل نظامی، کار ما را با توجه به وجود تعداد بسیار زیادی از فرماندهان کارکشته در امور نظامی و با تجربه در نبرد با جمهوری اسلامی، سهل تر کرده است. از طرف دیگر همین درجه از توانایی نظامی حزب و وارد شدن به سازماندهی این کار، بلافاصله بر رابطه مردم با ما و بر تغییر تناسب قوای بین ما و جریانان اثر میگذارد. نکته دیگر اینکه فعالیت حزب در کردستان سنت، شکل و افق متفاوت دیگری را از سازمان دادن امور نظامی ارائه داده است که با اردوگاه داری و سنت تاکتونی ناسیونالیستی تفاوت دارد. بهر اندازه ای که رهبران این جریانان در باب محسنان اردوگاه و بارگاه شان در عراق بعنوان امتیازی در برابر حزب کمونیست کارگری لاف زنی کردند، با این الگوی جدید از فعالیت حزب تبلیغانشان به هوا رفت و مشکل خود را در توجیه چگونگی آن بیشتر کرده اند. دیگر لازم نیست جوانان و مردم برای

پیوستن به نیروی مسلح حزب، به اردوگاه در مرز و تحمیل زندگی تحقیر آمیز در آن فکر کنند. هر جمعی از دوستانی که به هم اعتماد دارند و هر کسی در محل زندگی خود در شهر و روستا، می تواند خود را جز نیروی مسلح حزب به حساب آورد و در فکر ملزومات فعالیت خود در این مورد باشد. نیروی مسلح حزب نیرویی نیست که از کوه و اردوگاهها به شهرها سرازیر شوند، اساسا نیرویی است شهری. بحث خصوصیات، وظایف، سازمان و آموزش این نیرو را باید جداگانه و در وقت خود پی گرفت. آنچه اینجا میماند، ضرورت انتخاب نامی متناسب با این نیرو است، تصور میکنم اکنون این نام در تسهیل کار ما و در جلب توجه عمومی مردم بدان فاکتوری است بسیار مهم. داوطلبین این عرصه باید بدانند در کجا و در کدام ارگان و سازمانی از حزب فعالیت می کنند. نامگذاری نیروی مسلح حزب در این مقطع وجهی است از اعلام اراده راسخ حزب در سازمان دادن آن و این اقدامی است سیاسی و فراتر از یک نام، کمبودها؛ اجرای این پروژه حزب از شروع تا به امروز، سیر معینی را طی کرده و به جایی رسیده است. یک شرط موفقیت و ادامه کاری آن، برنامه دقیق و خوانا با شرایط سیاسی است، شرط دیگر بر خورد خود حزب به آن و بهره برداری سیاسی و مستمر حزب از دستاوردهای آن است. پیامهای رهبری حزب و نوشته های آنها در این رابطه همراه با استقبال گرم و مجتبهایی که تشکیلات حزب هر بار از مجریان این پروژه کرده اند، اهمیت این عرصه از فعالیت در حزب را نشان می دهد. اما همین دوره از کار نشان داده است که از درک اهمیت آن تا جمع آوری حاصل آن فاصله بسیار هست. استقبالها را باید بعنوان تشریفات سیاسی و مقدماتی روزهای اول در نظر گرفت. مهم بعد از آن و چگونگی تبلیغ و تکامل و تثبیت آن تصویری از حزب است که این پروژه در آن نقش داشته است. با پایان هر حرکتی نباید کل پروژه و اهدافش بایگانی شود و بعنوان وسیله تبلیغی یکبار مصرف بدان نگریست و تا تکرار مجدد برنامه دیگری از این قبیل منتظر شد. این پروژه و هر تک ماموریتی از آن، گوشه ای از تبلور قدرت حزب و کمونیسم کارگری در کردستان است، حزب چگونه از این نقطه

قدرت خود استفاده میکند؟ این کمبودی است که با تکرار زیاد و حتی موفقیت آمیز حضور رهبران کمونیست در میان مردم بر طرف نمیشود، تکیه زیاده از حد بر این جنبه اشتباه است و این نقیصه است که جبرانانش، دقیقتر بگویم تکمیلش، تنها از عهده حزب ساخته است. حزب با نفوذ توده ای و با دستگاه تبلیغاتی قوی و وسیعی که دارد، قادر است بر متن محصولات سیاسی این چند ساله از کارمان، دستاوردهای تاکتونی را در سطح سراسری تثبیت کند، راه رسیدن به اهداف مورد نظر را کوتاه تر، ساده تر و مطمئن تر کند. باید از این ماتریال بسیار قوی تبلیغی در بعد سراسری و محلی استفاده کرد و متوجه بود که بسر انجام رساندن کامل این پروژه از عهده کارها ساخته نیست و تنها حزب و ابزارهای سراسری آن می توانند انجامش دهند. شرط اولیه این کار به رسمیت شناختن دستاوردهای این برنامه و موقعیت کسب شده است. نکته با اهمیت دیگری که می ماند لائسه کردن کارها در پروسه انجام این پروژه ها است. منظور تنها رفقای دست اندر کار مستقیم این پروژه نیست، می توان از این فرصت استفاده کرد و طیف وسیعی از کارهای حزب را جلو جامعه گذاشت که این یکی از دستاوردهای با ارزش آن برای حزب است و نباید این فرصت را از دست داد.

۲۷ آوریل ۲۰۰۴

به رفقا طه و مهدی

حسینی

خبر مرگ پدر گرامی شما و عزیز همه ما، این شخصیت محبوب و بزرگوار و مبارز و شریف را از طرف ایسکرا به شما صمیمانه تسلیت میگویم.

نسان نودینیان دبیر کمیته آلمان حزب به نیابت از همه رفقای شما در آلمان نیز به شما تسلیت گفته اند.

رفیق شما: ایرج فرزاد

گزارشی از اعتصاب معلمان سندج همراه با قطعنامه مصوب

چایکاران شمال - اطلاعیه شماره ۴ چایکاران دستگیر شده فوراً باید آزاد شوند

در هجوم نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به چایکاران لاهیجان و لنگرود، دهها نفر از چایکاران و مردم آزادیخواه منطقه که در اعتراض چایکاران شرکت کرده بودند، دستگیر شده اند که همچنان در زندان میباشند. در اطلاعیه

های قبل به اطلاع رساندیم که حزب کمونیست کارگری مردم در جریان این یورش جنایتکارانه تعدادی از مردم نیز زخمی شدند که به بیمارستان های اطراف منتقل شدند.

لازم به توضیح است که جمهوری اسلامی وعده داده بود که به کشاورزان به ازای هر هکتار زمین هفتصد هزار

تومان کمک میکند. این وعده قبل از هر چیز توخالی است و برای ایجاد شکاف در میان معترضین اعلام شده بود. و مهمتر اینکه شامل حال اکثر چایکاران نمیشود. بخش اعظم چایکاران یا کارگر باغهای کشاورزی هستند و دستمزد ناچیزی میگیرند و یا منصفی (نصف شده) بوده و فاقد سند میباشند و وعده های جمهوری اسلامی شامل حال آنها

نمیشود. طبق آخرین خبر چایکاران دست از مقاومت و مبارزه برنداشته و اعتراض آنها به اشکال مختلف ادامه دارد. طلب سال قبل آنها پرداخت نشده و امسال هم با عدم فروش چای، شرایط دشوار زندگی آنها باز هم دشوارتر شده است.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه را به پشتیبانی از اعتراضات چایکاران لاهیجان و لنگرود و مبارزه برای آزادی فوری دستگیرشدگان فرامیخواند. چایکاران زحمتکش لاهیجان و لنگرود نباید تنها بمانند.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳
۴ مه ۲۰۰۴

حزب کمونیست کارگری ایران در دفاع از کارگران و در محکومیت ضد کارگر جمهوری اسلامی:
دورتهوند، مرکز شهر جمعه ۷ مه ساعت ۱۱-۱۳ مقابل روزنامه "واتس"
هامبورگ شنبه ۸ مه ساعت ۱۲ ظهر مقابل کنسولگری رژیم اسلامی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته آلمان
۴ مه ۲۰۰۴

تمام پرسنل باید از این حق برخوردار شوند ۸. ما خواستار لغو برده داری مدرن در آموزش و پرورش به عبارت دیگر رسیدگی سریع به وضعیت همکاران حق التدریس و پاره وقت از نظر استخدام بوده و هستیم ۹. همکاران بازنشسته که تمامی توان خود را جهت اعتلای آموزش و فرهنگ به کار بسته اند باید مورد حمایت و پشتیبانی دولت قرار گیرند

۱۰. ما خواهان بهبود شرایط تدریس، تغییر محتوای کتب درسی و به روز کردن سیستم آموزش هستیم
۱۱. ما خواهان ارائه گزارش عملکرد از سوی تعاونی های مسکن و مصرف هستیم
۱۲. وزارت آموزش و پرورش موظف است مطالبات معوقه همکاران اعم از یارانه مسکن را پرداخت نماید ۱۳. بسیاری از همکاران مدتهاست تعهد خود را با آموزش و پرورش به پایان رسانده اند ولی هنوز به آنها کارت معافیت و پایان خدمت داده نمی شود. ما خواهان بررسی هر چه سریعتر وضعیت نظام وظیفه همکاران هستیم ۱۴. انجمن صنفی معلمان استان کردستان و تمامی همکاران آموزش و پرورش خود را موظف می دانند از همکارانی که مورد تهدید یا پرونده سازی قرار می گیرند دفاع و پشتیبانی نماید

*** در آخر همه در زیر آفتاب مثل لبو سرخ شده بودیم ولی خرسند بودیم که برنامه خوب پیشرفت با وجود نبود حتی يك بلند گو دستی پوزه رییس روسا را که داخل ساختمان قايم شده بودند و چه بسا تدابیر امنیتی هم برای خودشان اتخاذ کرده بودند به خاک مالیدیم. در کل استقبال گرمی شده بود.

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۳
باز تکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

نفر در مورد وضعیت ما آنجا و اینکه حتی سخنرانی و صحبتی نباشد خود پلاکارتها و سکوت سرشار از ناگفته هاست، سپس نمایندگانی از قشرهای مختلف صحبت هایی کردند نماینده بازنشستگان، نماینده معلمان اخراجی، نماینده انجمن از جمله سخنرانان بودند و مطالبی پیرامون حق و حقوق پایمال شده معلمان بیان کردند يك نفر راجع به امکانات رفاهی مدیران و تفاوت زندگی آنها با قشر معلم صحبت کرد و اینکه چنین حرکت هایی باید تداوم پیدا کند چراکه ما آزادی خود را خود باید بدست بیاوریم در کل استقبال گرمی شده بود و نیروهای اطلاعات که از صبح آنجا پرسه می زدند و با ان قیافه های تابلو ایشان دماغشان سوخت

در آخر **قطعنامه پایانی** خوانده شد

۱. ما معلمان استان کردستان همبستگی قاطع خود را با دیگر معلمان ایران اعلام می داریم ۲. ما خواهان رفع هر نوع تبعیض هستیم و هر معلم محق است از يك نوع زندگی مرفه و متناسب با شان خود برخوردار شود

۳. با هرگونه طرحی که سبب از هم گسیختن اتحاد فرهنگیان شود مخالف هستیم ۴. طرح ارتقا شغلی در نوع خود طرحی ناقص بوده چرا که این طرح متضمن رفاه برای همکاران شاغل و بازنشسته نیست

طرحی موقت و سالانه علاوه بر ایجاد فاصله میان همکاران در شرایطی اینچنین نمیتواند تمامی همکاران را در برابر تورم سرسام آور حمایت کند

۵. ما همچنان خواستار ایجاد نظام پرداخت هماهنگ هستیم ۶. قلم معلم تنها تربیون رسمی و سراسری فرهنگیان مدت زیادی است که توقیف است ما خواهان رفع توقیف از نشریه خود هستیم

۷. امنیت شغلی از اولیه ترین و اساسی ترین حقوق انسانی است

در جلسه روز جمعه ۱۱ اردیبهشت انجمن معلمان، اعتصاب سراسری روز یکشنبه سیزدهم تصویب شد. همه نگران از برگزاری میتینگ بودند.

امروز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت صبح زود از خواب بیدار شدم من کلاس داشتم ولی مانند بقیه معلمان به مدرسه نرفتم. هفت و نیم صبح با دوستان قرار داشتیم. دم در اداره کل آموزش و پرورش اضطراب داشتیم. کلاس را تعطیل کرده بودیم و از آن طرف نگران از کم بودن تعداد شرکت کنندگان بودیم. اول صبح ما معلمان پلاکاردهایی را با این مضمون بدست گرفته بودیم
۱. فرهنگی اتحاد اتحاد
۲. ما خواهان رفع تبعیض کامل در آموزش و پرورش هستیم
۳. ما همبستگی خود را به فرهنگیان تمام کشور اعلام می کنیم
۴. ما خواهان بسط آزادی بیان و عقلانیت در آموزش و پرورش هستیم
۵. ما اعتراض خود را تا تحقق کامل اهدافمان ادامه خواهیم داد هر چه زمان می گذشت به تعداد شرکت کنندگان افزوده می شد ورود کارمندان اداره کل به داخل حیاط محل تجمع ممنوع شد. ولی آنها از پنجره های اتاق هایشان برای ما دست تکان می دادند. نزدیکیهای ساعت ۱۰ و نیم به ما پیشنهاد ورود به داخل سالن مجتمع دادند. اعضای انجمن از تجمع کنندگان نظر خواهی کردند ولی ما گفتیم اینجا يك میتینگ اعتراضی است و قی به داخل سالن کشیده شود با شیرینی هایی که آنها تدارک دیده بودند و دسته گل بزرگ پلاسیده اول صبحشان حالت مهمانی به خود می گیرد. آنها گفتند مدیران گفته اند در داخل سالن جلسه پرسش و پاسخ می گذارند رای نهایی این شد که همه روی زمین نشستیم وقتی تقاضای بلند گو کردیم جوابی ندادند. بنابراین دوستان با صدای بلند مجبور بودند داد بزنند اول يك

دستگیر شدگان اول مه در سقز فوری باید آزاد شوند



خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

کارگران، مردم مبارز شهر سقز!

همگی در جریان هستید که مزدوران جمهوری اسلامی روز اول مه به مراسم کارگران در پارک کودک سقز حمله کرده و در کمال بی شرمی ۵۱ نفر از کارگران و نمایندگان آنها را دستگیر کردند. تا هم اکنون تعدادی از دستگیر شدگان از جمله محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگرد، هادی تنومند، محمد عبیدی پور، اسماعیل خودکام و محسن حکیمی در زندان هستند. آنان از زمان دستگیری تا کنون در اعتراض به حمله مزدوران رژیم اعتصاب غذا کرده اند و به

کمک فوری ما احتیاج دارند. جرم دستگیر شدگان چیزی جز دفاع از ابتدایی ترین حقوق خود و سایر کارگران نیست. مزدوران رژیم به این اکتفا نکرده و در کمال وقاحت به خانه محمود صالحی و برهان دیوانگرد ریخته و ضمن ضرب و شتم همسران آنان، اموالشان را و از جمله کامپیوتر آنان را به تاراج برده اند. خانواده دستگیر شدگان در این دو روز در اعتراض به این عمل فبیح نیروهای رژیم در مقابل اداره اطلاعات و دادگاه اسلامی رژیم تجمع کرده اند. باید فوری به تجمع اعتراضی آنان پیوست و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان شد. دفاع از دستگیر شده گان وظیفه همگی ما از کارگران خباز گرفته تا کارگران دخیانیات، شهرداری، مجمع صنعتی قهرآباد و سایر مراکز کارگری و همه مردم آزادخواه سقز است. با اعتراض دسته جمعی خود، با جمع آوری تومارهای اعتراضی و به هر شیوه ممکن به این عمل رژیم اعتراض کنیم. امروز سوم ماه مه مزدور رژیم از ترس اعتراض شما مردم معترض دستگیر شدگان را به

سندج انتقال داده است. کارگران مردم مبارز شهرهای کردستان!

حمله به تجمع اول مه در شهر سقز، حمله به ابتدایی ترین حقوق ما کارگران و مردم است. کارگران دستگیر شده در حال اعتصاب غذا هستند و خود و بچه هایشان چشم به انتظار پشتیبانی بی دریغ شما و اعتراض یکپارچه تان به جمهوری اسلامی و با خواست آزادی فوری آنهاست. با تجمعات اعتراضی خود و با جمع آوری تومارهای اعتراضی خواهان آزادی فوری آنان شوید. جمهوری اسلامی در مقابل اعتراض یکپارچه و متحدانه ما مردم آزادخواه تاب مقاومت ندارد. ما به سهم خود هم در داخل ایران و هم در سطح بین المللی برای آزادی دستگیر شده گان از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد و تلاش میکنیم از تمام امکانات خود برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی جهت آزادی آنها استفاده کنیم.

اردیبهشت ۱۳۸۳

کمین آزادی دستگیر شدگان اول مه سقز - اطلاعیه شماره ۲

اتحادیه های ساختمانی دانمارک تهاجم به اول مه سقز را شدیداً محکوم کردند

با تماس فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته "هماهنگی اتحادیه های ساختمانی دانمارک" که ۱۶ اتحادیه ساختمانی را نمایندگی میکند، در نامه ای به محمد خاتمی تهاجم جمهوری اسلامی به اول مه سقز را محکوم کرد و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شد. در این نامه که یک کپی آن به نماینده واحد دانمارک حزب ارسال شده، این طور آمده است:

"به رئیس جمهور ایران آقای محمد خاتمی کپنهاگ، دانمارک ۴ مه ۲۰۰۴

این شرم آور است که حکومت شما به فعالین کارگری که در مراسم اول مه شهر سقز شرکت کرده بودند حمله کرده و شماری از آنها را دستگیر نموده است. شما با این کار ابتدایی ترین حقوق برسمیت شناخته شده کارگران را که مندرج در قرارداد های بین المللی سازمان ملل و سازمان جهانی کار میباشد، زیر پا گذاشته اید. کمیته هماهنگی اتحادیه های ساختمانی دانمارک که ۲۰ هزار کارگر ساختمانی را نمایندگی میکند قویاً به این تخطی اساسی حقوق اساسی انسانی که توسط حکومت شما صورت گرفته اعتراض میکند.

از نظر ما زندانی کردن، تهاجم و اعمال فشار و بی عدالتی توسط حکومت شما به کارگرانی که در همبستگی با سایر کارگران جهان با برپایی و بزرگداشت روز جهانی کارگر، حقوق پایه ای خود را طلب میکنند قابل قبول نیست.

ما قویاً اقدامات شما را محکوم میکنیم و خواهان آزادی فوری کارگران هم طبقه ای خود که در سقز در اول مه دستگیر شده اند میباشیم. در صورتیکه بنا به خواست ما و حقوق پایه ای بین المللی انسانی عمل نکنید ما آماده ایم که دست به افشاگری وسیع علیه حکومت ایران بزنیم

از طرف کارگران ساختمانی دانمارک - آندرس اولسن - رئیس هماهنگی اتحادیه های ساختمانی دانمارک"

کمپین تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران برای آزادی فوری فعالین کارگری دستگیر شده در سقز تا آزادی همه دستگیر شدگان ادامه خواهد یافت. ما همه سازمانهای کارگری و انسان دوست و همه انسانهای شریف را به حمایت فعال از این کمپین علیه جمهوری اسلامی فرا میخوانیم

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مه ۲۰۰۴ - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳

کند که در اوایل سال جاری در ارتباط با کشتار کارگران شهر بابک تسلیم "کمیته آزادی تجمعات" سازمان جهانی کار کرده بود.

دستگیر شدگان اول مه سقز باید فوراً آزاد شوند

مرکز بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۳، ۳ مه ۲۰۰۴

شکایت کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد به

سازمان جهانی کار در مورد دستگیری کارگران در سقز

بدنبال دستگیری شماری از کارگران و رهبران کارگری در شهر سقز که نیروهای جمهوری اسلامی در جریان یورش به مراسم اول ماه مه کارگران بدان اقدام کردند، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد نسبت به این دستگیری ها اعتراض کرد. بنا به خبر سایت اینترنتی ICFTU، این کنفدراسیون کارگری روز ۲ مه (۱۳ اردیبهشت ماه) با تسلیم یک شکایت نامه رسمی به دفتر بین المللی کار در ژنو از سازمان جهانی کار خواست که با دخالت میانجیگرانه و تماس با مقامات ایران، موجبات آزادی سریع کارگران دستگیر شده را فراهم کند. بنا به گزارش این کنفدراسیون نیروهای جمهوری اسلامی بیش از ۴۰ نفر از کارگران را در جریان یک گردهمایی و تظاهرات مسالمت آمیز که بمناسبت اول ماه مه از سوی یک سازمان کارگری غیر دولتی بنام "شورای اول ماه مه" در شهر سقز تدارک دیده شده بود، دستگیر کردند. بنا به این گزارش، در میان دستگیر شدگان محمود صالحی رهبر سرشناس کارگری که پیش از این دستگیر و در سال ۲۰۰۱ بمدت ۱۰ ماه هم در زندان بوده است، جلال حسینی یک رهبر محلی کارگری و همینطور محسن حکیمی نویسنده و از اعضای انون نویسندگان قرار دارند. این گزارش می افزاید که نیروهای امنیتی رژیم به خانه محمود صالحی یورش برده و مبادرت به ضبط و توقیف کامپیوتر و اسناد و اوراق ایشان کردند. این کنفدراسیون در همانحال از برگزاری اجتماعات خانواده های کارگران دستگیر شده و سایر شهروندان برای آزادی فوری دستگیر شدگان در مقابل دفاتر وزارت اطلاعات خبر می دهد.

قابل ذکر است که هیئت اعزامی از دفتر کنفدراسیون بین المللی اتحادیه کارگران آزاد جهان دو روز پیش از وقوع دستگیری ها، با محمود صالحی و محسن حکیمی دیدار کرده بود و عکس این دیدار نیز در سایت اینترنتی ICFTU منتشر شده است. خانم آنا بیوندی رئیس دفتر ژنو کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی هیئت همراه در جریان دیدار خود از ایران مرتباً زیر نظر و کنترل سرویسهای امنیتی بودند. این کنفدراسیون از این نگران است که دستگیری افراد نامبرده به جریان این دیدارها مرتبط باشد. در شکایت کنفدراسیون اتحادیه های آزاد اشاره شده است که جستجوی خانه محمود صالحی و توقیف اسناد و کامپیوتر شخصی او یقیناً در ارتباط با دیداری بوده است که ایشان با هیئت اعزامی سازمان بین المللی اتحادیه کارگران آزاد جهان داشته است است.

ICFTU اعلام کرده است که اطلاعات مربوط به دستگیریهای اخیر کارگران شهر سقز را ضمیمه شکایت نامه ای می